

زمینه‌ها و پیامدهای کشف حجاب در لارستان

رسول احمدلو^۱ / آذر اردیانیان^۲

چکیده

دوران شانزده ساله سلطنت رضاشاه بر ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، متضمن اقدامات فرهنگی متعددی بود که عموماً با ترک سنت‌های قدیمی و رو آوردن به مظاهر تمدن غربی صورت گرفت. کشف حجاب از اساسی‌ترین اقدامات رضاشاه برای غربی‌کردن ظواهر کشور بود که آن را با هدف تجددخواهی انجام داد. سیاست کشف حجاب در مناطق مختلف کشور از جمله شهرستان لارستان بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و قومی به مرحله اجرا درآمد و پیامدهای سیاسی اجتماعی مهمی برجای گذاشت. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که برنامه‌های حکومت پهلوی برای اجرای سیاست کشف حجاب چه بود و مردم لارستان در تقابل با این سیاست چه واکنشی نشان دادند؟ فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که قشرهای مختلف اجتماعی همچون روحانیون، کارکنان دولت و بانوان به مقابله با سیاست فوق برخاستند و به همین دلیل حکومت توفیق‌چندانی در پیشبرد برنامه موردنظر خویش در لارستان نداشت. هدف این پژوهش بررسی زمینه، واکنش و پیامدهای کشف حجاب در لارستان است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌واسطه بافت سنتی و مذهبی حیات سیاسی و اجتماعی لارستان سیاست کشف حجاب در آن خطه به شکست انجامید.

واژه‌های کلیدی: کشف حجاب، لارستان، پهلوی اول، بانوان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

r.ahmadlu@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

azar_ardianian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ نوع مقاله: ترویجی

Backgrounds and consequences of the discovery of hijab in Larestan

Rasool Ahmadlu¹/ Azar Ardianian²

Abstract

In the sixteen-year period of Reza Shah's reign over Iran (1925-1941), numerous cultural measures were generally carried out by abandoning the old traditions and turning to the manifestations of Western civilization. The hijab banning was one of Reza Shah's most basic measures to westernize the appearance of the people, which he did with the aim of modernism. The policy of removing the hijab was implemented in different regions of the country, including Larestan city, without considering specific cultural, social and ethnic characteristics, and it left important social political consequences. This research seeks to answer the question of what were the plans of the Pahlavi government to implement the policy of uncovering the hijab and how did the people of Larestan react to this policy? The hypothesis of the research is based on the fact that different social strata such as clerics, government employees and women rose up against the above policy and because of this the government was not very successful in advancing its desired program. The purpose of this research is to investigate the background, reaction and consequences of hijab banning in Larestan. The present research has been carried out with descriptive-analytical method and using archival and library documents and sources. The findings of the research show that due to the traditional and religious context of the political and social life of Larestan, the policy of hijab banning failed in that region.

Keywords: Hijab-banning, Larestan, first Pahlavi, women.

1. PhD student of Iran Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. r.ahmadlu@gmail.com

2. PhD student of Iran Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. azar_ardianian@yahoo.com

۱. مقدمه

موضوع کشف حجاب به عنوان مهم‌ترین برنامه فرهنگی در دوره پادشاهی رضاشاه از زوایای مختلف مورد توجه و بررسی پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. نوشته‌ها، تحلیل و بررسی‌های متعددی پیرامون کشف حجاب صورت پذیرفته و کتاب‌ها و مقاله‌های ارزشمندی در بررسی جوانب مختلف این مسئله چاپ و منتشر شده است، اما به نظر می‌رسد هنوز بررسی بازتاب‌ها و واکنش‌ها در برابر سیاست پهلوی اول در خصوص کشف حجاب در حوزه منطقه‌ای و محلی جای کار دارد. کشف حجاب در لارستان از حوادث مهم تاریخ منطقه‌ای ایران است. اقشار مختلف مردم این منطقه هم‌زمان با زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی برای عملی‌ساختن سیاست حکومت پهلوی اول در زمینه حجاب، به مبارزه با این سیاست برخاستند و این مبارزات آثار پیامدهای سیاسی و اجتماعی بسیاری برجای گذاشت. از این رو تحقیق حاضر می‌تواند اطلاعات درخور توجهی در خصوص سیاست‌های حکومت پهلوی اول در منطقه‌ای لارستان و نقش اقشار مختلف مردم در مبارزه با سیاست کشف حجاب در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

در این پژوهش سعی شده است با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع آرشیوی زمینه‌ها و پیامدهای کشف حجاب در لارستان واکاوی گردد. اگرچه درباره کشف حجاب در لارستان پژوهش مستقلی که تمام جنبه‌های تاریخی آن را واکاوی نماید صورت نگرفته است، اما در برخی از پژوهش‌ها که مقطع تاریخی مورد بحث را مورد پژوهش قرار داده‌اند می‌توان مطالبی در این باره یافت که در ادامه به آن اشاره می‌شود: در مقاله «کشف حجاب در فارس؛ برنامه‌ها و مقاومت‌ها (بررسی اسنادی)» نوشته محمدعلی رنجبر که در سال ۱۳۹۴ در نشریه گنجینه اسناد، منتشر گردیده اشاره کوتاهی به کشف حجاب در لارستان شده است. نتایج و یافته‌های این پژوهش می‌تواند از سوی مجامع علمی و دانشگاهی، دانشجویان رشته تاریخ، ایران‌شناسی و سازمان‌ها و مراکز تحقیقاتی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. زمینه‌های کشف حجاب در ایران

با انقراض سلسله قاجار و استقرار دولت پهلوی اول، مناسبات دولت و مردم دچار تغییرات عمده‌ای گردید. تجددگرایی و نوسازی از اهدافی بود که رضاشاه و مشاوران غرب‌گرای او در پی اعمال آن در جامعه اسلامی و سنتی ایران بودند. رضاشاه، مدعی بود که وقتی مردم لباس

متحدالشکل بپوشند و کلاه پهلوی بر سر گذارند و نسبت به اعتقادات دینی سست شوند، متمدن خواهند شد. براین اساس، به ستیز با نمادهای سنتی و دینی، نظیر لباس و پوشاک سنتی پرداخت. رضاشاه، فکر متمدن شدن ایران را از آغاز سلطنت خود در سر می‌پروراند و متحدالشکل کردن لباس در سال ۱۳۰۷ و نوع پوشش اعضای خانواده شاه، مؤید این واقعیت بود. اما سفر ترکیه این تلقی را تقویت کرد. رضاشاه بعد از مسافرت ترکیه از رفع حجاب زنان و آزادی آنها صحبت کرد. بنابراین، زمان آن رسیده بود که برخلاف مقاومت‌های مردمی، برای بالا بردن سرعت عمومی کردن کشف حجاب، خانواده سلطنتی جدی‌تر وارد عمل شوند و رضاشاه به طور علنی و رسمی کشف حجاب را اعلام نماید. این برنامه در ۱۷ دی ۱۳۱۴ در دانشسرای مقدماتی، ضمن اعطای دیپلم به فارغ‌التحصیلان با حضور بی‌حجاب همسر و دختران سلطنتی و جمعی از همسران وزیران و وکلا، بدون حجاب، اجرا گردید. رضاشاه در این مراسم، خطاب به فارغ‌التحصیلان گفت: «بی‌نهایت مسرورم که می‌بینم خانم‌ها در نتیجه دانائی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده و پی به حقوق و مزایای خود برده‌اند. ما نباید از نظر دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله مملکت عاطل بود... شما خانم‌ها این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت‌هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمایید» (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۴۲). با این اقدام رضاشاه، پروژه کشف حجاب، به طور رسمی آغاز شد.

۳. قیام آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری علیه لباس متحدالشکل

لایحه «قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخله مملکت» در جلسه ششم دی ماه ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی به تصویب رسید. بر اساس ماده دوم این قانون، هشت گروه از پوشیدن لباس یکسان معاف شناخته شدند. نخستین گروه مجتهدین صاحب اجازه از مراجع مسلم تقلید بودند به شرط آنکه به «امور روحانی» اشتغال داشته باشند. به جز مجتهدین، «مراجع امور شرعیه دهات و قصبات، پیش‌نمازان دارای محراب، مفتیان اهل سنت و روحانیون ایرانیان غیرمسلمان، محدثین مأذون از جانب مجتهدین، طلاب و مدرسین شیعه‌مذهب از دیگر گروه‌هایی بودند که این قانون شامل حال آنان نمی‌شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره هفتم، جلسه ۱۶). روحانیت شیعه که در طول تاریخ همواره نیرویی مستقل از دولت به شمار می‌رفت، با این قانون به صورت طبقه‌ای وابسته به دولت درمی‌آمد، چه آنان باید برای پوشیدن لباس مذهبی

جواز رسمی از حکومت دریافت می‌داشتند و در امتحانات تدارک‌دیده شده توسط حکومت شرکت می‌کردند و برای اقامه نماز جماعت و دیگر فرامین دینی و ارشاد مردم از دولت اجازه رسمی می‌گرفتند (منظورالاجداد، ۱۳۸۰: ۱۱).

آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری از روحانیون سرشناس جنوب کشور که هدایت و رهبری مردم را در مبارزات ضد استبدادی برعهده داشت، به مبارزه با این قانون پرداخت و آن را به نوعی رسالت خود دانست. او پس از اطلاع یافتن از شورش فرزندان شیخ زکریا در داراب تصمیم می‌گیرد قیام همگانی در منطقه لارستان ترتیب دهد. وی با توجه به شناختی که از موقعیت سیاسی و اجتماعی لارستان داشت درصدد متحد کردن عشایر لارستان و قشقایی، خوانین منطقه، قشرهای مختلف مردمی، طلاب، شاگردان و یاران پدرشان در مناطق داراب و فسا و مناطق جنوبی برای قیام همگانی علیه حکومت پهلوی بود. آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری که مرجع تقلید منطقه جنوب بود، در نخستین گام فتوا داد رضا خان نباید بر شئون مسلمین مسلط باشد، سپس با نوشتن نامه‌های متعددی به علما و مراجع درباره اهداف حکومت از «سیاست لباس متحدالشکل»، سیاست‌های ضداسلامی رضا شاه را مردود خوانده و به طور مخفیانه با هماهنگی سران منطقه درصدد راه‌اندازی قیامی بزرگ علیه حکومت پهلوی برآمد (بصیرت منش، ۱۳۹۲: ۴۱۴). او ضمن ارتباط با عشایر قشقایی و پس از اطلاع یافتن از قیام شاگردان و یارانش (شیخ ابوالحسن سرکوهی، برادرش شیخ محمد و برادرزاده‌اش شیخ جواد) که از علما و مشایخ سرکوه در داراب محسوب می‌شدند، طی نامه‌هایی در مورد لزوم مقاومت در برابر احکام غیرشرعی، آنها را به مبارزه علیه حکومت پهلوی فرا خواند. گروهی از خوانین لارستان نیز بنا به دلایلی همچون به خطر افتادن منافع خویش از سوی قوای دولتی، رقابت‌های خاندانی و همچنین ارادت به آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری با قیام موافقت نمودند و حمایت کردند.

مخالفت آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری با اقدامات رضاشاه، با شورش عشایری فارس هم‌زمان بود که در همان آغاز این قیام با شکست مواجه شد. اما این حادثه پیامدهای سیاسی و اجتماعی مهمی در منطقه لارستان داشت که از مهم‌ترین آن می‌توان به تبعید آیت‌الله سید عبدالمحمد موسوی لاری مرجع روحانی منطقه، غارت لارستان و برقراری حکومت نظامی اشاره نمود.

۴. کلاه شاپو در لارستان

سفر رضاشاه به ترکیه و تأثیرپذیری وی از اقدامات آتاتورک موجب شد تا تغییر کلاه پهلوی به کلاه شاپو به عنوان کلاه بین‌المللی در برنامه دولت قرار گیرد. در اوایل خرداد ۱۳۱۴ رضا شاه با احضار هیئت دولت صریحاً اظهار داشت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم. باید در قدم اول کلاه‌ها تبدیل به شاپو بشود و در مجالس کلاه را به عادت غربی‌ها باید بردارند. دولت در جلسه هفت تیرماه ۱۳۱۴ ش استعمال کلاه پهلوی را ممنوع اعلام کرد و امر شد که به جای آن از کلاه تمام‌لبه (شاپو) استفاده کنند. مکی درباره کلاه شاپو می‌نویسد: «تا تاریخ ۱۳۱۴ کلاه یک لبه که نام کلاه پهلوی نامیده می‌شد در تمام کشور متداول گردید. فرقی که کلاه مزبور با کلاه قدیم ایرانیان داشت این بود که جلو آن برای جلوگیری از آفتاب لب‌های داشت. این کلاه را در مجالس و محافل رسمی سر می‌گذاشتند... بعد از آنکه شاه از مسافرت ترکیه بازگشت فکر تغییر کلاه لبه‌دار در او قوت گرفت و این تغییر را تشویق می‌نمود و معتقد بود که اختلاف ظاهری ایرانی‌ها با اروپایی‌ها برداشته شود» (مکی، ۱۳۶۳: ۲۰۳).

این مطلب طی بخش‌نامه‌ای از سوی محمدعلی فروغی نخست‌وزیر وقت به ادارات دولتی و سازمان‌های دیگر ابلاغ شد. از آن پس کارمندان دولت و مردانی که به سازمان‌های دولتی مراجعه می‌کردند باید کلاه شاپو بر سر می‌گذاشتند. همچنین در آن اخطار شده بود که عدم رعایت دستور، موجب منتظر خدمت شدن کارمندان خاطی خواهد شد. در بخش‌نامه صادره وزارت داخله آداب استفاده از کلاه شاپو در ۷ بند توضیح داده شده بود تا به عموم مأموران حوزه حکومتی ابلاغ و به اطلاع مردم برسد.

مطابق نظام‌نامه وزارت داخله، «میرممتاز» حاکم لارستان، اوامر کتبی راجع به آداب در فرم کلاه بین‌المللی را به ادارات محلی به طور متحدالمال برای اطلاع و اجرا ابلاغ نمود و سپس به ایالت فارس تلفوگرام نموده و نمونه خواست و دو نفر کلاه‌دوز را برای آوردن الگو و پارچه برای ساخت کلاه نمدی به شیراز فرستاد و به کلاه‌دوزان لار دستور داد تا آوردن الگو، از سوخار گندم کلاه حصیری در لار تهیه گردد. واکنش مردم لار به کلاه پهلوی اظهار تعجب از این اقدام حکومت بود: «کلاه دوخته‌شده از حصیر را سرگذارده سواره رفته باغ ملی، بین راه همه مردم با حالت تعجب تماشا می‌کردند و به هم نشان می‌دادند که حکومت کلاه فرنگی به سر گذارده و

من اول مأموری بودم که برحسب امر دولت این کلاه را سر گذاردم» (فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

در جلسه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ که با حضور میرممتاز- رئیس اداره مالیه - رئیس اداره نظمی و کلاه‌دوزها برگزار گردید، مقرر شد که صنف کلاه‌دوزها یک باب مغازه در بازار اجاره نموده و روزی ۱۵۰ عدد کلاه جدید برای استفاده مردم تهیه گردد. بر اساس تصمیمات گرفته‌شده قیمت کلاه در لارستان با تمامی مخارج آن از قیمت پارچه و آستر و غیره و اجرت دوخت چهل دینار و حق‌الزحمه آن سه ریال تعیین گردید و حکومت و نظمیه موظف شدند «یک نفر از حکومتی و یک نفر دژبانی و یک نفر از نظمیه معین شد که مردم را به دکان وسط چهار سوق بازار محل فروش کلاه ببرند و کلاه آنها را عوض کنند و مراقبت کنند کلاه‌دوزها یکی سه ریال علاوه نفروشد» (فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

۵. روند اجرای کشف حجاب در لارستان

الف. دعوت از طبقات اجتماعی جهت پیشبرد برنامه کشف حجاب

با رسمیت یافتن کشف حجاب اجباری اقدامات گسترده‌ای از سوی دولت صورت گرفت و دستورالعمل‌هایی به والیان و حاکمان شهرها ابلاغ شد تا کشف حجاب تداوم یافته و گسترش یابد. ایجاد مراسم و جشن‌ها به بهانه‌های مختلف در برنامه کاری والیان و حاکمان قرار گرفت و مأموران محلی اقدامات فراوانی برای گسترش آن به عمل آوردند. اولین اقدام، دعوت از افراد محترم و تجّار و در مرحله بعدی از اصناف برای پیوستن به این حرکت بود. لذا از طبقات مختلف اجتماعی به‌ویژه از کارکنان ادارات دولتی خواسته شد با ترتیب‌دادن لباس جشن همراه همسران خود در آن شرکت نمایند. با این اوصاف اولین مجلس جشن کشف حجاب از طرف حاکم لار در روز جمعه ۱۹ دی ۱۳۱۴ ش و با حضور مأمورین دولتی، لشکری و مستخدمین عالی‌رتبه و تجّار و ملاکین و محترمین شهر در دبیرستان شاهپور برگزار گردید که با عدم حضور و مخالفت رؤسای ادارات و کارمندان دولت به بهانه‌های مختلف روبه‌رو شد. این مراسم تحت شعاع حضور باحجاب خانم پیشکار مالیه «سلطان حسین میرزا رخشانی» (۲) و حضور نیافتن ربیعی کارمند دیگر اداره مالیه قرار گرفت و بدون هیچ‌گونه گفت‌وگویی پایان یافت. ربیعی با دادن پانصد تومان رشوه به مقامات دولتی از آنها خواسته بود که در گزارش مأمورین

دولتی به مقامات، نام وی و همسرش را جزو حاضرین در مجلس جشن اعلام نمایند (فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). با برگزاری اولین مجلس جشن، کفیل حکومت لارستان به تمام مأمورین اخطار نمود که عموم آنها موظف‌اند در پیشرفت نهضت بانوان تشریک مساعی نموده و خود آنها در این امر پیشقدم باشند و در جشن‌ها نیز عموماً باید با بانوان خود حضور به هم رسانند.

ب. تشکیل مجالس جهت حضور بانوان در مراسم کشف حجاب

یکی از اقدامات حکومت لارستان برای بیرون کشاندن خانم‌های تجار و اعیان از خانه و برداشتن چادر و تبدیل روسری به کلاه، تشکیل مجامع در اماکن عمومی بود. برای رسیدن به این منظور، حکومت لارستان، اداره شهرداری را موظف به تشکیل جلسات مختلف در باغ ملی با حضور کلیه طبقات کرد. حکومت لارستان در اعلامیه‌ای که رونوشت آن در نقاط مختلف شهر نصب گردید اهالی لارستان را ترغیب به شرکت در این مجالس نمود و تهدید کرد کسانی که از این فرمان سرپیچی کنند از لار تبعید خواهند شد. متن اعلامیه حکومت لارستان بدین شرح است: «اهالی لارستان باید در نهضت بانوان شرکت نموده و آنهایی که در این قسمت ساعی هستند باید تشویق و کسانی دیگر توبیخ و مورد مؤاخذه واقع شوند و مخصوصاً اشخاصی که بانوان خود را در خانه نگه می‌دارند باید اخطار شود که این امر ناپسندیده عاقبت خوبی برای آنها نخواهد داشت؛ زیرا اشخاص مخلّ نهضت بانوان بدون هیچ‌گونه ملاحظه تبعید خواهند شد» (ساکما، ش بازیابی: ۳۵۰/۳۵۵).

ج. برخورد با زنان محجبه در خیابان

حکومت لارستان در اعلامیه‌ای برای عموم، ده روز مهلت داد که اگر پس از پایان موعد مقرر، زن‌ها با چادر بیرون بیایند، رسماً با حجاب آنها برخورد خواهد شد. با پایان یافتن مهلت ده روزه مأمورین انتظامی که برداشتن چادر از سر زنان به اجبار، بخشی از وظیفه آنان بود از آمدن زنان محجبه در شهر جلوگیری نموده و به زور روسری و چادر را از سر آنان برمی‌داشتند. شایان ذکر است که مأمورین شهربانی مجاز بودند زنان محجبه را تعقیب نموده و به منزل آنها وارد شوند، صندوق‌های لباس آنها را تفتیش کرده و اگر چادر ببندد آن را پاره کنند.

مصور رحمانی، حاکم لارستان، برای نظارت بر چگونگی اجرای کشف حجاب در شهر لار در ۲۲ مهرماه ۱۳۱۵ شخصاً به خیابان رفت و چون زنان لاری را به همان وضع سابق و با چادر و

روسی مشاهده نمود، بلافاصله پاسبانان و رفتگران شهرداری را موظف نمود به زور روسری و چادر را از سر زنان بردارند. رحمانی در نامه‌ای به اداره شهربانی لار، این وضعیت را برخلاف اوامر صادره حکومتی دانست و اداره شهربانی را به سهل‌انگاری در این زمینه متهم نمود و آن اداره را تهدید کرد اگر اقدام جدی برای حل موضوع کشف حجاب و برداشتن چادر و روسری توسط اداره شهربانی صورت نگیرد موضوع را به مقامات بالا گزارش خواهد نمود. در بخشی از این نامه آمده است: «به‌طوری‌که اخیراً مشاهده می‌شود در اثر سهل‌انگاری پاسبانان شهر، اهالی سوءاستفاده نموده کلیه نسوان مجدداً پارچه سیاهی بر سر خود انداخته منظره سابق را تجدید نموده‌اند. این وضعیت به کلی برخلاف اوامر صادره و منظور دولت خواهد بود. در صورتی که گزارش آن به عرض مقامات عالی‌تر برسد، مسئولیت شدیدی متوجه مأمورین مربوطه خواهد شد. نظر به اینکه حکومت محل مسئولیت فوق‌العاده در مقابل نهضت بانوان دارد؛ چنانچه فوریت از طرف پاسبانان اقدام مؤثر و مفیدی در این خصوص نشود، محض رفع مسئولیت ناگزیر است مراتب را به مقامات مربوطه معروض داشته کسب تکلیف نماید» (ساکما، ش بازبایی ۳۵۰/۹۲۵).

زنان لاری به دلیل سخت‌گیری‌های به‌وجودآمده و برای اینکه مورد آزار و اذیت مأمورین قرار نگیرند در عوض چادر، از روپوش سیاهی که از گردن تا مچ پا را می‌پوشاند استفاده نمودند و صورت خود را با دستمال ابریشمی بزرگی پوشاندند تا هم حفظ حجاب کرده باشند و هم از شر مأمورین در امان بمانند (ساکما، ش بازبایی ۳۵۰/۹۲۵). با فراگیر شدن این اقدام زنان لارستانی، گزارش‌هایی به رئیس‌الوزرا می‌رسد و او نیز طی بخش‌نامه‌ای به کلیه ایالت‌ها موضوع را متذکر شده و دستور جلوگیری از آن را صادر می‌کند. (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۶: ۳۶۴). وزیر داخله در تلگرافی به ایالت فارس درباره ممنوعیت استعمال روپوش توسط زنان لاری هشدار می‌دهد: «طبق راپورت داخله در نواحی لارستان موضوع کشف حجاب پیشرفت نموده و زنها در عوض چادرها را برداشته‌اند و روپوش سیاهی از گردن تا مچ پا برای خود تهیه و استعمال می‌نمایند و صورت خودشان را هم با دستمال ابریشمی بزرگی می‌پوشانند. قدغن نمایید مراتب را فوراً از حکومت محل تحقیق نموده و دستورات لازمه را راجع به عدم استعمال روپوش و غیره صادر و اگر حکومت محلی هم در اجرای امر تسامحی نموده اطلاع دهند» (ساکما، ش بازبایی ۳۵۰/۳۵۵).

۶. کشف حجاب در بخش اوز لارستان

بنا بر دستور صادرشده به منظور پیشرفت امور رفع حجاب در بخش‌های مختلف لارستان، رهسپار کفیل حکومت لارستان در مورخه ۱۳۱۵/۰۱/۲۷ به اوز رفته و فردای آن روز در عمارت دبستان دولتی اوز مراسمی با حضور کدخدیان، اعیان، تجار، رئیس شهربانی اوز گرفته شد.^(۳) در این جلسه آقای رهسپار نطق مفصلی در معایب چادر و تشویق بانوان به کشف حجاب ایراد نموده و از کلیه مستخدمین دولت و محترمین شهر خواست هر روز و شب برای پیشرفت کشف حجاب مجالس مختلفی گرفته شود. حضور چند روزه رهسپار در اوز منجر به برگزاری سه مجلس کشف حجاب بانوان در تاریخ‌های ۱۳۱۵/۰۱/۲۹ در منزل حاج هاشم حسین معتمد، شب ۱۳۱۵/۰۱/۳۱ در منزل محمدشریف هوشیار و شب ۱۳۱۵/۰۲/۰۲ در خانه کرامتی شد. رئیس پست اوز و کفیل مدرسه دولتی بدری اوز برای برگزاری پنجمین جلسه از سلسله جلسات در موضوع کشف حجاب از ۱۲۶ کارمند دولتی، تاجر و بزرگ شهر دعوت نمود تا در شب مورخه ۱۳۱۵/۰۲/۰۵ برای برگزاری جشن در دبیرستان بدری اوز حضور یابند. یکی از کارمندان دولت با نام محمد توفیق به بهانه اینکه چشم خانمش درد می‌کند پاکت دعوت نامه را پاره نموده و از حضور در مراسم جشن خودداری نمود (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۷۰). اداره ایالتی فارس از حکومت لارستان خواستار رسیدگی به علت حضور نیافتن توفیق در مراسم جشن گردید. حکومت لارستان علت حضور نیافتن وی را به واسطه رقابت و تعنیات شخصی دانسته و برای جلوگیری از اغوای سایر اهالی اوز محمد توفیق را بازداشت و تحویل اداره ایالتی فارس نمود (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۷۰).

تمام تلاش و کوشش‌های حکومت لارستان برای کشف حجاب در اوز فقط دعوت‌های سابق بود و بعد از آن خانم‌ها دوباره با چادر در شهر حضور یافتند. رئیس معارف اوز طی گزارشی اداره ایالتی فارس را از عدم پیشرفت کشف حجاب در اوز آگاه ساخت و این اداره نیز از حکومت لارستان خواست به کدخدای اوز اطلاع دهد اقدامات وی در اوز رضایت‌بخش نیست و لازم است فوراً در اجرای اوامر اقدامات لازم را انجام دهد. کدخدای اوز، محمدامین کرامتی را از راپورت رئیس معارف مطلع نموده و بر حسب‌الامر حکومت لارستان برای رفع چادر و حجاب نسبت به فقرا و کلفت‌ها سخت‌گیری نمود. کرامتی و سایر معتمدین اوز برای تبادل نظر درباره

چگونگی فیصله‌دادن یا حل قضیه راپورت رئیس معارف اوز و مقابله با کشف حجاب در خانه حاج هاشم حسین‌نیا تشکیل جلسه داده و مردم اوز را به ایستادگی و خارج‌نشدن از خانه برای حفظ حجاب تشویق نمودند (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۷۰). اوزی‌ها با ارسال گزارشی به اداره ایالتی فارس از کذب بودن راپورت رئیس پست اوز سخن راندند و برای اینکه مقامات بالا از اوضاع اوز آگاهی پیدا نکنند، درصدد برآمدند تا شخص راپورت‌دهنده را از اوز اخراج نموده و شخص مورد اعتماد خود را جایگزین وی نمایند. فانی مدیر مدرسه دولتی اوز در گزارش دیگری به ریاست معارف لارستان، ضمن بی‌اساس دانستن اقدامات و گفته‌های اوزی‌ها برای پیشبرد برنامه کشف حجاب، از آن اداره خواست تا نماینده‌ای را برای آگاهی از وضعیت زنان به اوز بفرستد. اما این خواسته به دلیل کمبود پاسبان و مأمور کشف حجاب در لارستان برآورده نشد و کشف حجاب در اوز مسکوت ماند (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۷۰).

۷. پیامدهای کشف حجاب در لارستان

اقدامات ظاهری و مستبدانه رضاشاه و اعمال خشونت‌آمیز وی در راه پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی‌اش، پیامدهای زیادی بر حیات سیاسی و اجتماعی منطقه لارستان برجای گذاشت که برخی از آنان عبارت‌اند از:

الف. واکنش بانوان لاری به برنامه کشف حجاب

با تمام فشارها و تبلیغاتی که برای کشف حجاب در لار به عمل آمد، باز مردم تسلیم این فشارها نشده و به انحاء مختلف از اجرای قانون کشف حجاب خودداری می‌کردند. برخی از زنان لاری اصلاً از خانه خارج نمی‌شدند و خود را در خانه حبس می‌کردند تا مجبور به تن دادن به این حریم‌شکنی نشوند و چون در آن زمان خانه‌های ایرانیان حمام نداشت، بنابراین زنان لاری برای ایاب و ذهاب و حمام‌رفتن نیمه‌های شب از راه و عبور از بام‌های خانه‌های همسایه خود را به حمام محل می‌رساندند، یا به امید اینکه چشم پاسبانی به آنان نیفتد از کوچه پس‌کوچه‌ها می‌گذشتند. بسیاری نیز تلاش می‌کردند تا حجاب خود را در کوچه و خیابان، به دور از چشم مأمورین، حفظ کنند. ذکر این نکته ضروری است که طبق اعتقادات، زنان لاری از غنی و فقیر، همه‌وقت برقی به صورت داشته‌اند که جز چشم تمام صورت آنها مستور بوده و تقید زنان لاری به حدی بوده که هریک از طبقات زنان که در مجالس معمولی خودشان یکدیگر را ملاقات

می‌کرده‌اند در تمام ساعات ملاقات با برقع‌نشسته و از یکدیگر پذیرایی می‌نمایند و در انظار خودشان صورت‌های خود را از یکدیگر مستور می‌داشتند و حتی زن‌های فقیری که برای کارهای جزء خانه‌داری استخدام می‌شدند در تمام اوقات، ولو مردی در خانه هم نبود، صورت خودشان را به وسیله همان برقع می‌پوشاندند. برای خانم‌هایی که حتی در منزل هم از چادر استفاده می‌کردند و از نزدیکان خود رو می‌گرفتند، بیرون رفتن از منزل بدون چادر کار ساده‌ای نبود.

در گزارشی به ریاست کل احصائیه و ثبت احوال راجع به اوضاع دو ماهه لار درباره کشف حجاب آمده است: «روحیه اهالی در ظاهر متوجه دولت‌خواهی ولی از نقطه‌نظر خمودی که فطری و جبلی آنهاست کوچک‌ترین قدمی در مرحله تمدن برداشته و به همان خرافات سابق خویش معتقدند و در زاویه خود پیوسته معتکف خواهند بود. حتی در مسئله رفع حجاب که تا به حال قریب سی مرتبه از طرف حکومت بلدیّه، معارف، کنفرانس‌های مخصوص تشکیل و سخن‌ها و نطق‌هایی که از طرف مأمورین و غیره به عرصه ظهور رسیده و اهالی را تشویق کرده معهداً به کلی اثری در وجود آنها مترتب نیست. یعنی در یکی دو دعوت که از طرف بلدیّه در مدرسه دختران که قسمتی از طبقات تجار دعوت شده برخی به بهانه مرضی‌داری حاضر نشده و عذر این قسمت را برای رفع نگرانی آتیه خود را خواسته، بعضی دیگر که حاضر شده با چه کیفیتی خانم خود را آرایش داده با وضعی که از پوشش لباس سیاه و سرپوشی سیاه که کلیه صورت را مستور داشته مانند خمره متحرک طوری خود را آراسته که جلب نظر حاضرین از منحوسی شکل خویش متوجه نموده، درحالی که صرف‌نظر از کنفرانس‌ها و دعوت‌های معمولی در باغ ملی و غیره کلیه خانم‌های مأمورین دولتی برای ترغیب اهالی قسمتی از امور خانه‌داری خود را فروگذاشته و همه روزه عصر با چهره بشاش و خرمی هرچه تمام‌تر با فرق و اندام بی‌چادر در کوچه بازار و خیابان عبور می‌کنند مع‌الوصف تأثیری بر اهالی نبخشیده و از طریق بام‌های خود به ایاب و ذهاب برای ملاقات یکدیگر باز و در ساختمان، رمزاً صورت داده شود» (مپس، شماره سند: ۱-۶۵-۱۵۳ ک).

ب. امتناع کارکنان دولت از حضور در مجالس جشن

در مجلس جشنی که از طرف حاکم لار در روز جمعه ۱۹ دی ۱۳۱۴ در دبیرستان شاهپور شهر لار برگزار شد، آقای ربیعی، کارمند اداره مالیه، با دادن پانصد تومان رشوه به مقامات دولتی، از

آنها خواسته بود که در گزارش به مقامات بالادست، نام وی و همسرش را جزو حاضرین در مجلس جشن اعلام نمایند. در مجلس جشن ۱۳۱۵/۰۲/۰۵ که با حضور رهسپار کفیل حکومت لارستان، رئیس شهربانی اوز، مستخدمین دولتی، تاجر و بزرگان اوز (از شهرهای های تابع لار) در دبیرستان بدری این شهر برگزار شد، شخصی به نام محمد توفیق به بهانه اینکه چشم عیالش درد می‌کند پاکت دعوت نامه را پاره نموده و از حضور در مراسم جشن خوداری کرد.

ج. انفصال از خدمت و بازداشت کارکنان دولت

انفصال از خدمت و بازداشت کارکنان دولت یکی از برنامه‌های مقامات حکومتی لارستان برای اجرای سیاست کشف حجاب بود. در مراسم روز جمعه ۱۳۱۴/۷/۱۹ همسر پیشکار مالیه لارستان با حجاب کامل حاضر شد. این اقدام باعث ناراحتی حاکم لارستان و انفصال از خدمت آقای حسین رخشانی، پیشکار مالیه لارستان گردید.

همان‌طور که گفته شد محمد توفیق از حضور در مجلس جشن پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ امتناع کرد. اداره ایالتی فارس از حکومت لارستان خواستار رسیدگی به این موضوع شد. حکومت لارستان علت حضور نیافتن وی را به‌واسطه رقابت و تعینات شخصی دانسته و برای جلوگیری از اغوای سایر اهالی اوز محمد توفیق را بازداشت و تحویل اداره ایالتی فارس نمود (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۷۰).

د. عزل حاکم لارستان

تا زمانی که بزرگوار حاکم لارستان مسئول پیشبرد کشف حجاب بود، بنا به دلایل مختلف اقدام مؤثری برای پیشبرد این برنامه به عمل نیامد. دولت برای دستیابی به موفقیت در اجرای کشف حجاب، بزرگوار را از حکومت لارستان عزل و مصور رحمانی را جایگزین وی نمود. حکمران جدید لارستان پس از ورود به لارستان و بررسی اوضاع اجتماعی آن، نبودن وسایل تأمین و تعداد کم پاسبان را مهم‌ترین عامل عدم پیشرفت برنامه کشف حجاب بانوان در لارستان دانسته و از مقامات می‌خواهد اقدامات لازم را جهت حل این مشکل انجام دهند. مصور رحمانی همچنین تمامی تاجران و اعیان و مقامات حکومتی و سایر طبقات را موظف به برگزاری جشن‌های شبانه و ایراد سخنرانی‌های گوناگون در مذمت حجاب می‌نماید (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۲۷۲).

در سندی، درباره جدیت حاکم جدید لارستان در برنامه کشف حجاب، مدیر پست لار، گزارشی در تاریخ ۱۳۱۵/۴/۲۴ به این شرح ارائه می‌دهد: «از زمانی که آقای مصور رحمانی به سمت

حکمرانی لارستان منصوب و اخیراً وارد شده‌اند، بیشتر همتشان مصروف بهبودی اوضاع اجتماعی نسوان و با جدیتی که کاملاً به عمل آورده‌اند طوری پیشرفت منظور شده که بانوان لاری که سابق با چادر در کوچه و بازار یافت و همیشه در گوش منازل خود منزوی بودند، اینک طبق دستورات و امکانات صادره غالباً به ایاب و ذهاب در معابر می‌پردازند (ساکما، ش بازیابی ۳۵۰/۹۲۵).

۸. مهاجرت به کشورهای حوزه خلیج فارس

با طرح مسئله کشف حجاب و اجبار زنان ایرانی به کشف حجاب، زنان لاری که به حفظ پوشش سر و صورت خود بسیار اهمیت می‌دادند با همه اجبارها و تحمیل‌های انجام‌شده حکومت پهلوی نتوانست کاری از پیش ببرد، ولی در اثر فشارهای ایجادشده کسانی که امکانات در اختیارشان بود فرار را بر قرار ترجیح داده و ترک دیار نموده و به کشورهای حاشیه خلیج فارس پناه بردند. دکتر محمدباقر وثوقی در این باره می‌نویسد: «دو عامل اساسی بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش موجب مهاجرت گسترده مردم لارستان به سواحل جنوبی خلیج فارس شد. اول ظلم و ستم بیش از حد حکام فارس به ویژه خاندان قوام بود که همه قدرت سیاسی و اقتصادی منطقه را در اختیار داشتند و عامل دوم کشف حجاب» (وثوقی، ۱۳۸۱: ۷۵-۷۴). هرچند به دست آوردن آماری دقیق از این مهاجرت دسته‌جمعی میسر نیست، اما شواهد نشان می‌دهد که بین سالیان مذکور عده بی‌شماری از لارستانی‌ها به کشورهای حاشیه خلیج فارس مهاجرت کردند و در آنجا مقیم شدند. بسیاری از اهالی منطقه به شیخ‌نشین‌های شارجه، دبی، قطر، کویت، بحرین، ابوظبی، ام‌القوین و رأس‌الخیمه و بخش‌های مختلف کشور عمان مهاجرت کردند. آنان به اتفاق خانواده و گاه به صورت طایفه‌ای دیار خود را ترک می‌کردند و از راه بنادر لنگه- چارک و مقام به یکی از مناطق نامبرده پناهنده می‌شدند.

۹. وضعیت زنان لارستانی پس از سقوط شاه

کشف حجاب در سال‌های باقی‌مانده حکومت رضاشاه اجباری بود و حجاب اسلامی مظهر عقب‌ماندگی شمرده می‌شد، به همین دلیل برداشتن چادر از سر زنان به اجبار بخشی از وظیفه مأموران شهربانی شده بود. پس از سقوط رضاشاه، قاعده یکسانی در خصوص کشف حجاب

وجود نداشت و ظاهراً قید اجبار از کشف حجاب برداشته شد و زنان لاری که به اجبار از پوشش اسلامی محروم شده بودند، در دوره پهلوی دوم و در پی آزادی‌های نسبی سال‌های اول پس از سقوط رضاخان به حجاب اسلامی خود بازگشتند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که اقدامات شبه‌مدرنیستی رضاشاه در مورد زنان، که صرفاً به‌شکلی سطحی و در قالب ظاهر و نوع پوشش به وقوع پیوست، به دلیل اجباری و تحمیلی بودن و به سبب ناهمخوانی ارزش‌های جدید با محیط اجتماعی فرهنگی ایران، جامعه را با بحران و زنان آن روز را با چالشی هویتی مواجه نمود. حکومت پهلوی برای اجرای کشف حجاب در لارستان مقدمات فراوانی را در دستور کار خود قرار داد که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: برگزاری مراسم جشن کشف حجاب و الزام افراد و گروه‌ها به شرکت در مراسم، توبیخ و در مواردی اخراج کارمندان دولت در صورت عدم حضور آنها و همسرانشان (بدون حجاب) در ضیافت‌ها، بازداشت و مجازات مخالفان کشف حجاب، ایجاد محدودیت برای زنان محجبه از جمله ممانعت از ورود زنان باحجاب به خیابان‌ها و گرمابه‌های عمومی، کاربرد زور و تهدید و تنبیه برای اجرای قانون کشف حجاب و تشویق افرادی که داوطلبانه تن به قانون کشف حجاب دهند. زنان لاری با تمام فشارها و تبلیغاتی که برای کشف حجاب در لار به عمل آمد تسلیم این فشارها نشده و به انحاء مختلف از اجرای کشف حجاب خودداری کردند.

یادداشت‌ها:

۱. آیت‌الله سیدعبدالمحمد آیت‌اللهی فرزند بزرگ آیت‌الله حاج سیدعبدالحسین نجفی لاری در سال ۱۳۰۲ ه ق در نجف اشرف متولد شد و همراه پدرش در سال ۱۳۰۹ ه ق وارد لارستان شده و نزد ایشان به تحصیل علوم دینی مبادرت ورزید. او در سال ۱۳۲۲ ه ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف بازگشت و از درس آیات عظام ملا محمدکاظم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی بهره برد و در ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد (بصیرت‌منش، ۱۳۸۶: ۴۱۴). با تبعید آیت‌الله حاج سیدعبدالحسین نجفی لاری، حکومت لارستان به مدت ده سال به خاندان قوام‌الملک سپرده شد. با اقدامات مستبدانه این خاندان، آرمان‌های انقلاب مشروطه در منطقه لارستان رنگ باخت و

استبداد بار دیگر بر این ناحیه غلبه نمود. اموال مردم در شهرها، بخش‌ها و روستاها و همچنین دارایی تجار به غارت رفت، حوزه علمیه لار که در عصر مشروطیت به کانون سیاسی و مذهبی مهم جنوب تبدیل شده بود، به فراموشی سپرده شد و بسیاری از شاگردان مجتهد لاری پراکنده شدند. مبارزین و تفنگچیان عشایر برای حفظ جان خود به مناطق فین هرمزگان و گوده بستک پناهنده شدند و انجمن بلدیة، نظمیة، پست و تلگراف شهرستان لارستان نیز تعطیل گردیدند. بهترین توصیف از وضعیت حاکم بر منطقه لارستان در زمان حکومت خاندان قوام به شرح زیر می‌باشد: «بیست سال است که سرتاسر مملکت، حکومت مشروطه حکمفرماست، از تمام نقاط مملکت حکومت موروثی و ابواب جمعی رخت بست اما هنوز در این صفحات [منطقه لارستان] اصول استبدادی دوره ناصری، بلکه بدتر در جریان و حکام خودسر مالک‌الرقاب که این نواحی را ملک مطلق خود فرض می‌کنند، حکمفرماست» (روزنامه جبل‌المتین، ۲۳ خرداد ۱۳۰۶: ۱۴).

تجار و معاریف شهر لار برای برون‌رفت از این شرایط، طی یک جلسه مشورتی و با توجه به شناختی که قشرهای مختلف مردم از فرزند بزرگ آیت‌الله حاج سید عبدالحسین لاری یعنی آیت‌الله سید عبدالمحمد داشتند، خواستار بازگشت ایشان به لارستان شدند. با اصرار حاج علی وکیل و شیخ محمدحسین نخبه‌الفقهای به عنوان نمایندگان اقشار لارستان و شرح نابسامانی‌ها و اوضاع نامطلوب اهالی لارستان و مضافات آن، که دائماً از شرّ خاندان قوام‌الملک در امان نبودند، آیت‌الله سید عبدالمحمد آیت‌اللهی تصمیم می‌گیرد به لار بازگردد. این خبر خاطرات سال ۱۳۰۹ ه.ق و حضور آیت‌الله سید عبدالحسین لاری را در اذهان مردم لار زنده کرد و پیر، جوان، زن و کودک کیلومترها راه را پیاده به استقبال ایشان آمدند. حاج باقر آقا غفوری، ورود سید عبدالمحمد آیت‌اللهی به لارستان را چنین شرح می‌دهد: «پس از رحلت آیت‌الله سید عبدالحسین لاری در جهرم، در شوال ۱۳۴۲ ه.ق، اهالی لار در منزل مرحوم حاج شیخ محمدحسین نخبه‌الفقهای لاری اجتماع کرده و با شخصیت‌هایی از جمله حاج علی وکیل، حاج محمدحسین امین‌التجار کمپانی و حاج غلامحسین عسکر مشورت کردند. پس از مشاوره با حاج علی وکیل، ایشان تعهد داد که اجازه تشریف‌فرمایی حضرت آیت‌الله سید عبدالمحمد آیت‌اللهی را از میرزا ابراهیم قوام‌الملک پنجم بگیرد و امین‌التجار متعهد شد که مخارج سفر و سایر تشریفات را بپردازد و حاج غلامحسین عسکر با کمک سلحشوران حاج‌آبادی از طریق گردنه بزن شب‌هنگام وارد قریه دهکویه شد و اذان صبح از دهکویه خبر آوردند که حضرت آیت‌الله

سیدعبدالمحمد آیت‌اللهی به دهکویه رسیده است. (وثوقی، ۱۳۸۶: ۲۲). مرحوم شیخ محمدحسین نخبه‌الفقهای پس از ادای نماز صبح به طرف دهکویه حرکت کردند. جمعیت برای استقبال از ایشان موج می‌زد. پیرمردانی که از جریانات مطلع بودند، نقل می‌کردند که حتی بچه ده ساله پیاده تا صحرای کورده یعنی هیجده کیلومتری به استقبال شتافتند. پس از استقبال بی‌نظیر، حضرت آیت‌اللهی با تشریفات خاصی وارد لار شده و در مسجد جامع این شهر به اقامه نماز مغرب مبادرت ورزیدند و نماز عشا را مرحوم آقا شیخ محمدحسین نخبه‌الفقهای اقامه کردند» (همان: ۲۳). با ورود آیت‌الله سیدعبدالمحمد آیت‌اللهی به لارستان دور جدیدی در تاریخ این منطقه رقم خورد.

۲. سلطان حسین میرزا رخشانی (۱۲۶۰-۱۳۴۲ش) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تهران گذراند و در رشته کشاورزی به تحصیلات خود ادامه داد. ابتدا در وزارت فوائد عامه سپس در وزارت دارایی مشغول به کار شد. پس از مدتی به مدیریت کل وزارت دارایی رسید. ریاست اداره کل فلاحت، ریاست هیئت‌مدیره شرکت سهامی بیمه و مشاور عالی وزارت دارایی از مشاغل مهم اوست. وی در این زمان پیشکار مالیه لارستان بود.

۳. اوز یکی از بخش‌های مهم شهرستان لارستان بود که شغل مردم آن تجارت در کشورهای حوزه خلیج فارس و کیش و قشم و بندرلنگه می‌باشد. در مهرماه سال ۱۳۹۸ اوز از لارستان جدا و تبدیل به شهرستان شد.

کتابنامه

الف) اسناد

تشکیل جشن نهضت بانوان در دبستان صحت از سوی اداره فرهنگ لارستان، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۳۵۰۷۸۲.

کشف حجاب در اوز لار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. شماره بازیابی ۳۵۰۷۰.

گزارشی از عدم پیشرفت نهضت بانوان در لارستان و مواخذه شهربانی به دلیل سهل‌انگاری در این باره، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۳۵۰۹۲۵.

گزارش‌های حکومت لارستان از کشف حجاب در منطقه مزبور، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. شماره بازیابی ۳۵۰۳۵۵.

نامه‌ای به ریاست کل احصائیه و ثبت احوال راجع به اوضاع دو ماهه لار و عدم تمایل مردم به اجرای قانون پوشاک متحدالشکل. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره پرونده: ۱-۶۵-۱۵۳ ک.

مکاتباتی از لارستان در مورد صدور جواز روایت طلبگی و امام جمعه و معافیت از لباس متحدالشکل متمم به اسامی وعاظ و طلاب، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه فارس. شماره بازیابی ۹۸۲۹۳۱۲۹۰۱.

ب) کتب

بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران: عروج، ۱۳۸۶.

تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

سیاست و لباس (گزیده اسناد متحدالشکل البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸)، به کوشش سید محمد حسین منظور الاجداد، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰.

زادان مقتدری، حکام لارستان، (حماسه سلحشوری زادان‌خان گراشی، ۱۳۱۷-۹۵۷ خورشیدی)، شیراز: انتشارات کوشامهر، ۱۳۸۵.

مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

صلاح، مهدی، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.

وثوقی، محمدباقر، لارستان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.

وثوقی، محمدباقر، زندگانی و مبارزات حاج سیدعبدالعلی آیت‌اللهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

ج) مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره هفتم - تقنینیه - بی‌جا - مجلس شورای ملی - بی تا - جلسه پانزدهم).

د) نشریات

۲۸..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

رنجبر، محمدعلی، «کشف حجاب در فارس؛ برنامه‌ها و مقاومت‌ها (بررسی اسنادی)»، نشریه گنجینه اسناد، ش ۹۹، ۱۳۹۴.

یادداشت‌های حسین میرممتاز، نشریه مطالعات تاریخی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۵.

یادداشت‌های حسین میرممتاز، مؤسسه مطالعات تاریخی، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳۱.

روزنامه حبل‌المتین، ۲۳ خرداد ۱۳۰۶: ۱۴.

۱۳۰۸
حکومت
لارستان

بتاریخ ۲۵ ماه ۳۳ ۱۳۱۵
شماره ۴۱۳/۱
صیغه درجه دوم شریف لار

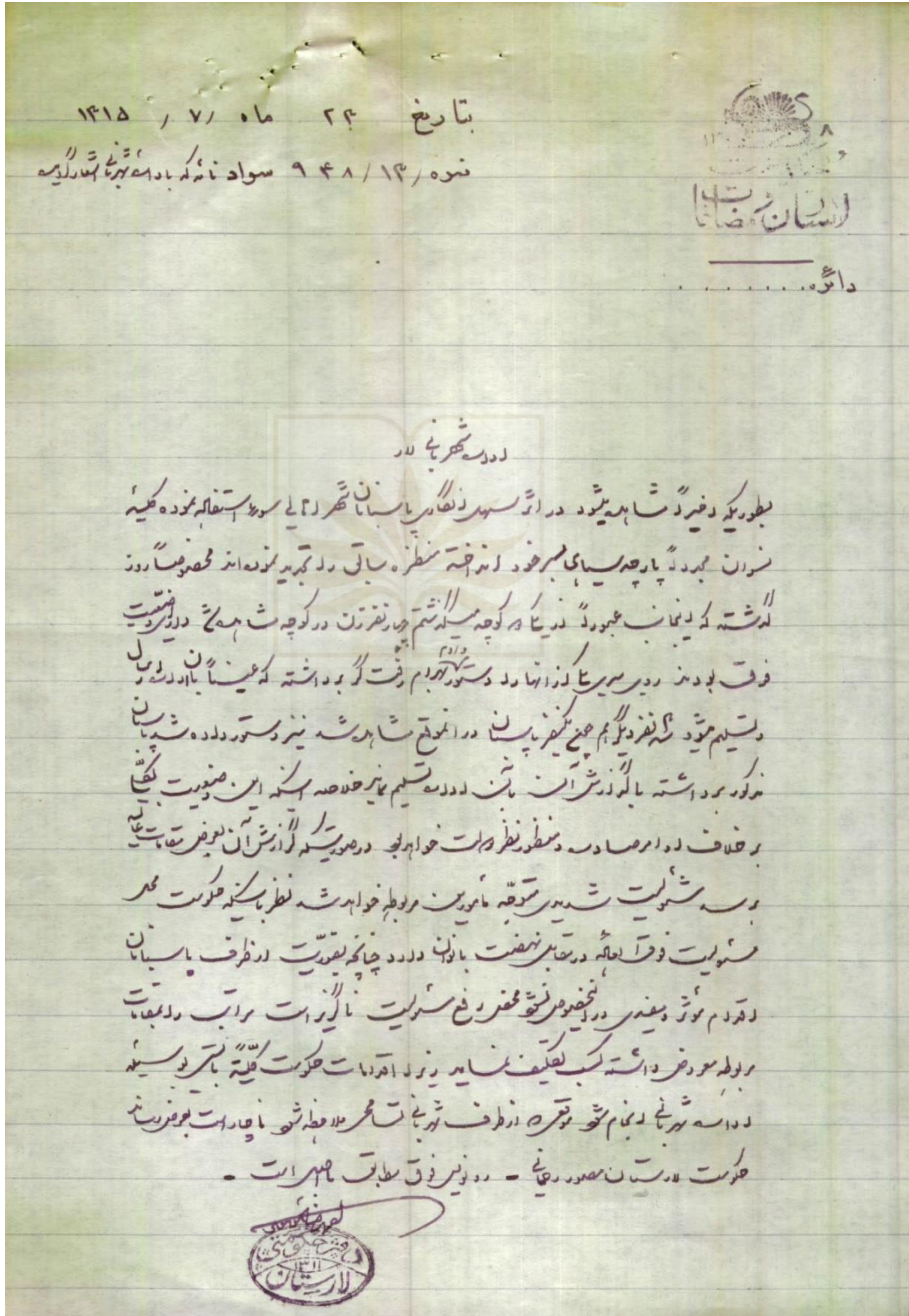
دائرة

محرمانه - داده شریف لار

بطوریکه چهره شود امنیت بگردن انان لاطریقہ بایہ شرفت دیکتر شرفه باشه در لار شرفت دهنف
خانها با چاکر دیو شرفه یا انکه لباس سبای نام بالو دکن نموده و چسار دیو سبای سبای مود سبای سبای
سبای مود در لار سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای سبای
مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات مستقرات
پسین کانی مراد لار شرفت لار با فرمانه لار در لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت
مرکز لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت
ایچ لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت لار شرفت
مواد طلبت با موت مراد است - حرکت لار شرفت - حرکت لار شرفت - حرکت لار شرفت -

۱۵

گزارش حاکم لارستان از عدم پیشرفت سیاست کشف حجاب در لارستان



گزارش حاکم لارستان از وضعیت بانوان لاری در خیابان‌ها و تذکر به شهربانی لارستان

تاریخ ۳۱ ماه ۱ / ۱۳۱۵
شماره ۱۰۸ - هجری -

دائرة انضامات
مجاهدین

اداره انیس نارس

مخاطب مورد من بیدارید راجع به حضرت باذلان درک صادره خدمت؛ در آرزو
اقدامات شده بود و در رخصه هجری ۱۹ صبر این نده با اربابین به محل از اور رفته
و مردم را بر راجع اولیا و امور سنگین نموده در دست ۲۰ لید نظر محسب جشن در نیشاب
سغفد و از تجار و ملوک در بر طبعات دولت نموده تمام باضا آنها را
بدون حیدر حضورش گردان دستان مشغول خواندن سرود شدند و این نده
نطقی مبنی بر تشویق امانه بر فیض حجاب ایراد و همه کلمه را شکر لایحه و امانت نمود
و مجلس مدعی بقای دانت تقدس اعظم حضرت مایه این شایسته در همین ۱۱ شهریور
و زنده باد شایسته غم انان ضاع بیدار گو در خدمت این مشکر در هم سرور من بیدار
که امانه از مردمی استند چیز نفهم و با دکان دولت و اکثر تشویق شوند در ادامه مطاع
به شکر خوارند شد و نباشد مجلس جشن در خدمت سغفد نماید و قریبا کلیه امانه
باضا نام شرکت در جشن نموده و اعلام داشته باشد که هر حکومتی که در این

سلطان زین العابدین
۵/۱۵

۱۵/۲
۱۴۰۲

گزارش کفیل حکومت لارستان از درباره مراسمات کشف حجاب در اوز